

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Human Rights

حقوق بشر

«فلسطین کرونیکل»

نویسنده: جمال کنج*

برگردان: مجله جنوب جهانی

فرستنده: طاهر باختری

۲۵ اپریل ۲۰۲۵

ببخش مرا، غزه: بشریت از گناهانش چیزی نیاموخته است



اسرائیل همچنان به کشتار غیرنظامیان فلسطینی در غزه ادامه می‌دهد. (عکس: علی بای جمال کنج)

ای مردم عزیز غزه، ببخشید اگر زمانی باور داشتید که بشریت از گناهان برده‌داری افریقائی‌ها، نسل‌کشی بومیان و هولوکاست اروپایی درس گرفته است. ای غزه، اگر باور داشتید که عبارت «دیگر هرگز» شامل شما نیز می‌شود، من توبه می‌کنم.

می‌نویسم، مرا ببخش، نه ما را، زیرا این گناهی عمیقاً شخصی است. باری است که در آسایش خانهم بر دوش می‌کشم، جرعه‌ای آب پاک می‌نوشم در حالی که کودکان غزه از چاه‌های آب شور آمیخته به فاضلاب می‌نوشند—بدن‌های کوچکشان از کم‌آبی و بیماری رنجور است—اگر اصلاً آبی بیابند.

می‌توانم برگ‌های ختمی وحشی را از حیاط خلوت خانهم بچینم—نه برای رفع گرسنگی، بلکه برای تجمل یک رژیم غذایی سالم. گناهکارم که ته مانده غذا را دور می‌ریزم، در حالی که پدران و مادران در غزه در میان آوار خانه‌های ویران شده به دنبال کنسرو غذایی می‌گردند که شاید از بمب اسرائیلی جان سالم به در برده باشد.

یا جرأت می‌کنند در میان زمین‌های دریده بخزند، به دنبال سبزیجات وحشی برای ساکت کردن شکم‌های غرغر کننده فرزندان‌شان—تنها برای این که تحت نگاه سرد پهلپادهای اسرائیلی به اهداف متحرک تبدیل شوند.

مرا ببخش—من خانه‌ای دارم، بخاری دارم و پتوهایی برای گرم نگه داشتن فرزندانم. در حالی که در غزه، والدین بیدار می‌مانند—نه فقط از سرما، بلکه از عذاب ناتوانی در گرم کردن پاهای کوچک و یخ زده فرزندان‌شان.

مرا ببخش وقتی دخترم را در روز تولدش می‌بوسم و خنده‌اش در گوشت زنگ می‌زند—در حالی که فقط صدای وزوز پهلپادهای اسرائیلی در گوش شما طنین‌انداز است. او شمع‌هایش را با یک دم از سر شادی خاموش می‌کند، در حالی که شما شمعی روشن می‌کنید تا تاریکی را پس بزنید، در دنیایی که از شما نفس را دریغ می‌کند، با خس‌خس برای هوا تقلا می‌کنید.

می‌توانم دخترم را در آغوش بگیرم، در حالی که شما حتی نمی‌توانید او را از زیر آوار بیرون بکشید—نمی‌توانید به اندازه کافی بقایای او را برای یک آغوش آخر جمع کنید. بمب‌های اسرائیلی ساخت امریکا گوشت او را مانند شن در باد پراکنده کردند و شما را خالی و آکنده از اندوه و گرد و غبار باقی گذاشتند.

بیمارستان‌های شما، پزشکان، امدادگران و نیروهای واکنش اولیه شما که حرفه‌شان را برای نجات جان انسان‌ها انتخاب کردند—اما هدف قرار گرفتند، زیرا نجات جان یک فلسطینی تهدیدی موجودیتی برای اسرائیل تلقی می‌شود. از هر روزنامه‌نگاری که کلماتش برای افشای جنایات جنگی به گلوله تبدیل شد و دوربین‌هایش برای اسرائیل خطرناک‌تر از توپ‌ها بودند، طلب بخشش می‌کنم.

دنیایی را ببخشید که گرسنگی شما، تخریب مدارس و دانشگاه‌ها—قتل آموزگاران‌تان—را «دفاع از خود» اسرائیل می‌نامد.

ای مردم عزیز غزه، ببخشیدشان اگر زمانی باور داشتید که بشریت از گناهان برده‌مداری افریقایی‌ها، نسل‌کشی بومیان و هولوکاست اروپایی درس گرفته است. ای غزه، اگر باور داشتید که عبارت «دیگر هرگز» شامل شما نیز می‌شود، من توبه می‌کنم.

متأسفم که فرزندان قربانیان «دیگر هرگز» تحت نظارت سازمان‌های ای‌دی‌ال، آپیک و صهیونیسم سیاسی گرد هم آمده‌اند تا یک نسل‌کشی را—که به نام یهودیت انجام می‌شود—تطهیر کنند. ای غزه عزیز، «دیگر هرگز» برای همه نیست؛ فقط برای غرب سفیدپوست و برگزیدگان است.

یهودستیزان ایدئولوژیک اکنون نزدیک‌ترین متحدان اسرائیل هستند. امروزه، «یهودستیز» دیگر به معنای کسانی که از یهودیان متنفرند نیست، بلکه به کسانی اطلاق می‌شود که به نسل‌کشی اسرائیل اعتراض می‌کنند.

«دیگر هرگز» در انحصار قربانیان حرفه‌ای قرار گرفته است—کسانی که از سوی خدائی که از ظلم اروپائیان در گذشته برای توجیه بی‌عدالتی کنونی اسرائیل در فلسطین استفاده می‌کند، مجوز گرفته‌اند.

متأسفم، غزه، تشکیلات خودگردان فلسطین (PA) به شما خیانت کرده است. به جای محافظت از شما، به بازوی ستمگرتان تبدیل شده است. هنگامی که اردوگاه‌های پناهندگان جنین، نور شمس و بلاطه برای حمایت از شما برخاستند، نه تنها با نیروی اسرائیلی، بلکه با گلوله‌ها و باتوم‌های تشکیلات خودگردان نیز مواجه شدند و در شهرها و شهرک‌هایی که شورش نکردند، تشکیلات خودگردان باز هم نتوانست از آنها در برابر حملات شهرک‌نشینان یهودی—که خانه‌ها و باغ‌ها را آتش زدند، حیوانات را کشتند و به کشاورزان شلیک کردند—محافظت کند.

مرا ببخش، غزه، برای باور داشتن به توهم وحدت عربی—این که شما بخشی از یک ملت بزرگ عربی بودید. این که حاکمان قاهره، امان، دمشق، بغداد، ریاض و دیگران برای شما قیام خواهند کرد. باور داشتم که ما درد مشترک و

مبارزه مشترک داریم. باور داشتیم که جهان عرب هرگز اجازه نخواهد داد شما گرسنه بمانید. اشتباه می‌کردم. در عوض، آنها بخشی از محاصره شما شدند. رفح نه تنها توسط سربازان اسرائیلی، بلکه توسط دیوارهای بتنی و برج‌های دیده‌بانی مصری نیز مهر و موم شده است. دیکتاتورهای عرب با کسانی دست می‌دهند که بیمارستان‌های شما را بمباران می‌کنند. حاکمان ثروتمند کشورهای عربی خلیج فارس فناوری اسرائیلی را می‌خرند—که ابتداء در محله‌های شما آزمایش شده است.

مرا ببخش، غزه، برای باور داشتن به حاکمانی که در سال ۱۹۴۸ به فلسطین خیانت کردند و هرگز از شما دفاع نخواهند کرد. آنها نیز مانند اجدادشان که ۹۰۰ سال پیش دروازه‌ها را به روی صلیبیون گشودند—و خون فلسطینیان را با بقای خود معامله کردند—امروز نیز چنین می‌کنند.

تاریخ تکرار می‌شود، غزه. همان پادشاهان و امیرانی که در آن زمان از مهاجمان استقبال کردند، اکنون اسرائیل را در آغوش می‌گیرند—در حالی که فرزندان شما از گرسنگی پژمرده می‌شوند، آنها شترهای بریان شده را می‌خورند. پایتخت‌های آنها با چراغ‌های جشنواره‌های موسیقی می‌درخشند، در حالی که شب‌های غزه با شعله‌های بمب‌های ۲ هزار پوندی ساخت امریکا به آتش کشیده می‌شود.

به طاغوت‌های عربی که هنوز در برابر اربابان استعماری خود سر خم می‌کنند، می‌گویم: صلیبیون اروپائی پس از فتح فلسطین، از اجداد شما چشم‌پوشی نکردند. آنها شمشیرهای خود را به سوی همان حاکمانی چرخاندند که به آنها کمک کرده بودند و پادشاهی‌های کوچکی را یکی یکی بلعیدند.

متأسفم، غزه، که وقتی مردم یمن در کنار شما ایستادند—با بستن راه محموله‌ها به یک بندر اسرائیلی به خاطر این که کودکان شما غذائی دریافت کنند—کودکان یمنی هم در یک جنگ نیابتی اسرائیلی-امریکائی به قتل رسیدند. رنج آنها نیز مانند رنج شما خاموش است و درد آنها هیچ عنوانی در رسانه‌ها کسب نمی‌کند.

مرا ببخش که تنها مقاومت لبنان—تسلیم‌ناپذیر در زیر بمباران اسرائیل—استوار ماند، در حالی که دیگر اعراب از رنج شما سود بردند. یمن و مقاومت لبنان به دنبال تشویق نبودند، بلکه می‌خواستند به شما بفهمانند که تنها نیستید. اگرچه جهان عرب و بخش اعظم بشریت پشت کردند، اما آنها متزلزل نشدند. یمن و مقاومت لبنان نه شرافت و نه اصول خود را با نیروهای شر معامله نکردند.

غزه، خون تو آینه‌ای است که جهان جرأت نگاه کردن به آن را ندارد. اما من روی برنخواهم گرداند. مرا برای درماندگی‌ام ببخش.

مرا برای هر جرعه آبی، هر لقمه غذائی، هر نفسی که می‌کشم در حالی که تو خفه می‌شوی، ببخش. مرا ببخش، اگر کسانی که سال‌ها پیش در غزه ملاقات کردم، هرگز فکر کردند که آنها را فراموش کرده‌ام. مرا ببخش اگر نتوانستم به هر کسی که درخواست کمک کرد، کمک کنم. آسایشم را ببخش.

صلح را ببخش.

من طلب آمرزش از سوی تو را ندارم—

فقط می‌خواهم بدانی:

تو فراموش نشده‌ای.

* - جمال کنج نویسنده کتاب‌های «فرزندان فاجعه»، «سفر از اردوگاه پناهندگان فلسطینی به امریکا» و دیگر آثار است. او به طور مرتب در مورد مسائل جهان عرب برای نشریات مختلف ملی و بین‌المللی می‌نویسد. او این مقاله را برای پایگاه خبری «فلسطین کرونیکل» ارسال کرده است.

۲۴ اپریل ۲۰۲۵